

شهید عنایت الله صولتی



ازتبار علی
سازمان جامع سرداران و دختران شهید استان بوشهر

نام پدر	حبیب الله
تاریخ تولد	۱۳۴۷/۰۶/۱۱
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۷/۰۱/۰۶
محل شهادت	پنجوین
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سرباز زمینی ارتش
شغل	—
تحصیلات	دوره راهنمایی
مدفن	بrazجان

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید صولتی در سال ۱۳۴۷ در شهر دالکی پا به عرصه حیات گذاشت و در ۶ سالگی جهت کسب علم و دانش در دبستان شریعتی دالکی به تحصیل اشتغال ورزید. تا کلاس پنجم ابتدایی در این دبستان درس خواند سپس جهت ادامه تحصیل همراه خانواده خویش به برازجان عزیمت نمود و در مدرسه راهنمایی شهید محمد منتظری تا سال دوم راهنمایی به تحصیلات خود ادامه داد. وی به تکالیف شرع مقدس اسلام مقید بوده به انقلاب شکوهمند اسلامی ایران عشق می ورزید. وقتی به سن قانونی رسید جهت خدمت مقدس سربازی خود را آماده کرد لذا جهت تعیین وضعیت سربازی خود را به حوزه نظام وظیفه برازجان معرفی نمود و در تاریخ ۱۸/۵/۶۶ جهت آموزش به پادگان کرمان رفت و پس از طی آموزش نظامی به لشکر قزوین در کردستان اعزام گردید. با ایمانی راسخ و علاقه ای وافر به جهاد با کفار بعثی و خود فروختگان به استکبار جهانی داوطلبانه جهت آموزش تکاوری خود را معرفی کرد و پس از پایان این دوره به مریوان اعزام شد و در نبرد رویاروی با کفر جهانی در جبهه اسلام علیه کفر در مورخ ۱۶/۱/۶۷ به فیض عظمای شهادت نائل آمد.

خاطرات

«سلام بر او که پدر می خواندمش»

علائم طبیعی که در چهره اش نمایان بود مشخص بود که ذاتاً دارای روحی صبور و خاموش است . ساکت بود و با همسالان خود در بازی که طبیعت همه خرد سالان است بسیار مهربان و عاطفی بود و دوست داشت که اسباب بازیهایش مورد استفاده بقیه بچه ها هم قرار بگیرد تا آنها نگران نباشند. به سن تحصیل که رسید در مدرسه ابتدایی (گورش قدیم) دالکی نام نویسی کرد .. بزرگتر که شد به مسجد قدیمی که روبروی خانه پدرش واقع است و بیشتر اوقات بینوایان و غریبان در آن جای می گرفتند می رفت و آب و نان برای آنها می برد و با آنها مهربانی می نمود . بعضی مواقع که غذای لذیذ و مطبوعی در خانواده پخته می شد حاضر می شد خود از خوردن آن خودداری کند ولی آنها را به فقرا بدهد. در ماه های مبارک رمضان همه شب در منزل پدر بزرگش در دالکی مجالس قرائت قرآن و روضه خوانی و دعا برقرار بود و شهید علاقه و ایمان مخصوصی به پذیرایی از آنهايي که در مجالس شرکت می نمودند داشت که مورد توجه و علاقه همه افراد شرکت کننده قرار می گرفت. وقتی از ادامه تحصیل خودداری کرد در کار کشاورزی با پدرش همکاری نمود. به محض این که زمان خدمت مقدس سربازیش فرا رسید خود را به منطقه نظام وظیفه معرفی کرد و در انجام خدمت علاقه مند و کوشا و ساعی بود.

«مادر برایم دعای شهادت بخوان»

به مرخصی آمده بود. در کنار مادرش ایستاد و گفت مادر اول حق مادريت را بر من حلال کن چون دعای مادری در حق فرزند اجابت پذیر است ، در حق من دعا کن تا به فیض عظمای شهادت نائل گردم و اگر چنین توفیقی حاصل کردم برای من بی تابی نکن هر چند مهر مادری نسبت به فرزند خیلی زیاد است ولی مطمئن باش که ارزش و ارج و درجه آن نیز به همان نسبت است . چون بهای هر چیز در خور ارزش آن است و تو مطمئن باش که خداوند به تو صبر و اجر می دهد.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران